

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام  
در قرآن کریم

«با رویکرد تربیتی»

تألیف:  
سید محمد دلبری



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷
فصل ۱. کلیات.....	۱۹
مقدمه.....	۱۹
۱-۱. جایگاه داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در دوره جاهلیت.....	۲۰
۱-۱-۱. نسبت ابراهیم <small>علیه السلام</small> با عرب(ها).....	۲۰
۲-۱-۱. دین حنیف.....	۲۱
۳-۱-۱. صحف ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۲۳
۴-۱-۱. حج ابراهیمی.....	۲۴
۲-۱. مقایسه اجمالی داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در عهدین و قرآن کریم.....	۲۶
۱-۲-۱. خاندان و خانواده حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۲۶
الف. نسب حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۲۶
ب. پدر حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۲۷
ج. همسران حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۲۸
د. فرزندان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۳۰
ه. وفات حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۳۲
۲-۲-۱. رسالت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۳۲
الف. نبوت و امامت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....	۳۲

۶ □ تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم

۳۳	ب. دعوت‌های حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۳۳	۳-۲-۱. داستان زنده شدن مردگان.....
۳۴	۴-۲-۱. حضرت لوط <small>علیه السلام</small> و حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۳۴	۳-۱. مقایسه اجمالی داستان حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> با دیگر انبیاء در قرآن کریم.....
۳۴	۱-۳-۱. نقش محوری حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در دعوت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> .....
۳۵	(به خصوص در مواجهه با اهل کتاب).....
۴۰	۲-۳-۱. بیان صریح احکام.....
۴۰	۴-۱. نگاه اجمالی به سرگذشت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> بر پایه سوره ابراهیم <small>علیه السلام</small> در
۴۳	قرآن کریم.....
۴۳	۱-۴-۱. شناخت کلی سوره ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۴۳	۲-۴-۱. سرگذشت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در سوره ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۴۴	الف. اسکان ذریه در مکه.....
۴۷	ب. زمان تولد فرزندان ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۴۸	نتیجه‌گیری.....
۵۱	پی‌نوشت‌ها.....
۵۵	فصل ۲. اوصاف حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم.....
۵۵	مقدمه.....
۵۵	۱-۲. اسوه.....
۵۷	۲-۲. امام.....
۵۹	۱-۲-۲. عصمت امام.....
۶۰	۲-۲-۲. هدایت به امر.....
۶۱	۳-۲. امت.....
۶۲	۴-۲. اوامیر.....
۶۳	۵-۲. حلیم.....
۶۴	۶-۲. حنیف.....
۶۶	۷-۲. خلیل.....
۶۸	۸-۲. شاکر.....
۶۹	۹-۲. صاحب قلب سلیم.....

## فهرست مطالب □ ۷

۷۰	..... ۱۰-۲. صالح
۷۲	..... ۱۱-۲. صدیق
۷۴	..... ۱۲-۲. عبد مؤمن
۷۵	..... ۱۳-۲. قانت
۷۶	..... ۱۴-۲. متوکل
۷۷	..... ۱۵-۲. محسن
۸۰	..... ۱۶-۲. مسلم
۸۱	..... ۱۷-۲. منیب
۸۲	..... ۱۸-۲. موقن
۸۴	..... نتیجه گیری
۸۶	..... پی نوشت ها
۹۳	<b>فصل ۳. اصول تعلیم و تربیت در دعوت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم</b>
۹۳	..... مقدمه
۹۴	..... ۱-۳. اصول تعلیم و تربیت در اسلام
۹۵	..... ۱-۱-۳. اصل اول: تعلیم و تربیت پذیری انسان
۹۶	..... ۲-۱-۳. اصل دوم: کرامت و شرافت انسان
۹۷	..... ۳-۱-۳. اصل سوم: اصل رابطه میان آموزش جسمانی و پرورش روحانی
۹۷	..... ۴-۱-۳. اصل چهارم: وجود تفاوت های فردی و گروهی
۹۹	..... ۵-۱-۳. اصل پنجم: تدریج
۱۰۰	..... ۶-۱-۳. اصل ششم: تشویق و تنبیه
۱۰۲	..... ۲-۳. اصول تعلیم و تربیت در دعوت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
۱۰۲	..... ۱-۲-۳. اصل رعایت تفاوت های فردی و گروهی
۱۰۶	..... ۲-۲-۳. اصل تدریج
۱۰۶	..... الف. مراحل دعوت
۱۱۳	..... ب. برائت از شرک و کفر و مراحل آن
۱۱۵	..... ۳-۲-۳. اصل تشویق و تنبیه
۱۱۶	..... الف. تشویق
۱۲۰	..... ب. تنبیه

۱۲۲.....	ج. همراهی تشویق و تنبیه.....
۱۲۴.....	نتیجه گیری.....
۱۲۶.....	پی نوشت ها.....
۱۳۱.....	فصل ۴. شیوه های تعلیم و تربیت در دعوت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم..
۱۳۱.....	مقدمه.....
۱۳۲.....	۱-۴. شیوه های تعلیم و تربیت در اسلام.....
۱۳۴.....	۱-۱-۴. شیوه های مستقیم.....
۱۳۴.....	الف. سخنرانی.....
۱۳۴.....	ب. پرسش و پاسخ.....
۱۳۵.....	ج. مباحثه.....
۱۳۵.....	د. مناظره.....
۱۳۵.....	ه. مجادله.....
۱۳۶.....	۲-۱-۴. شیوه های غیر مستقیم.....
۱۳۶.....	الف. مشاهده.....
۱۳۷.....	ب. ایفای نقش (نمایشی).....
۱۳۷.....	ج. مقایسه.....
۱۳۸.....	د. الگویی.....
۱۳۹.....	ه. قصه گویی.....
۱۳۹.....	و. تمثیل پردازی.....
۱۴۱.....	ز. دعا.....
۱۴۲.....	۲-۴. شیوه های تعلیم و تربیت در دعوت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۲.....	۱-۲-۴. پرسش و پاسخ.....
۱۴۶.....	۲-۲-۴. مجادله.....
۱۴۶.....	الف. احتجاج با پدر.....
۱۴۷.....	ب. احتجاج با قوم (اجرام آسمانی پرست).....
۱۴۸.....	ج. محاجه با قوم (بت پرستان).....
۱۴۹.....	د. محاجه با پادشاه زمان.....
۱۵۰.....	۳-۲-۴. ایفای نقش.....



فهرست مطالب □ ۹

۱۵۳.....	۴-۲-۴. مقایسه.....
۱۵۵.....	۵-۲-۴. الگویی.....
۱۵۷.....	۶-۲-۴. دعا.....
۱۶۰.....	۷-۲-۴. مشاهده.....
۱۶۳.....	نتیجه گیری.....
۱۶۴.....	پی نوشت ها.....
۱۶۹.....	فصل ۵. اهداف تربیتی سرگذشت حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم.....
۱۶۹.....	مقدمه.....
۱۷۲.....	۱-۵. بیان سنن الهی.....
۱۷۴.....	۱-۱-۵. سنت نصرت الهی.....
۱۷۸.....	۲-۱-۵. سنت الهی ابتلاء.....
۱۸۱.....	۳-۱-۵. سنت نابودی جوامع فاسد.....
۱۸۵.....	۲-۵. بیان و استنباط احکام.....
۱۸۶.....	۱-۲-۵. احکام حرم.....
۱۸۶.....	الف. امنیت شهر مکه (حرم).....
۱۸۶.....	ب. اثرات اجتماعی پناهگاه امن.....
۱۸۷.....	ج. طهارت خانه خدا.....
۱۸۸.....	۲-۲-۵. حج.....
۱۸۸.....	الف. احکام حج.....
۱۹۱.....	ب. نکات تربیتی حج.....
۱۹۴.....	۳-۵. ایجاد امت واحد اسلامی.....
۱۹۴.....	۱-۳-۵. وحدت دین.....
۱۹۵.....	۲-۳-۵. امت واحد اسلامی و مراحل ایجاد آن.....
۱۹۶.....	الف. معرفی اجمالی و تدریجی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۷.....	ب. معرفی تفصیلی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> .....
۱۹۹.....	ج. پایه ریزی مرکزی برای افراد ملت.....
۲۰۰.....	د. دعوت همگانی.....
۲۰۳.....	۴-۵. اسوه سازی.....

۱۰ □ تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم

۲۰۵.....	۱-۴-۵. اسوه حسنه تبری.....
۲۰۹.....	۲-۴-۵. اسوه صبر.....
۲۱۱.....	۳-۴-۵. اسوه شکر.....
۲۱۳.....	نتیجه گیری.....
۲۱۴.....	پی نوشت ها.....
۲۲۱.....	نتیجه گیری نهایی.....
۲۲۵.....	فهرست منابع.....
۲۳۱.....	نمایه آیات.....
۲۳۱.....	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَ الْقُرْآنُ الْحَكِيمِ - سوره مبارکه یس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة (۵۶). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الکهف ۱۸. آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان متفی ساخته

و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجر (۱۵). آیه شریفه ۹).

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راه‌نمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: **«وَتَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»** (قرآن کریم، سوره مبارکه الاسراء (۱۷). بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.**

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## پیشگفتار

خداوند متعال، حضرت محمد ﷺ را برای هدایت خلق برگزید و قرآن کریم را کتاب تربیت قرار داد تا بشر با بهره‌گیری از آن دو نعمت الهی، در مسیر حق و کمال گام بردارد. قرآن کریم ضمن بیان قوانین و احکام اسلامی به شیوه‌های گوناگون به تربیت مخاطبان خود پرداخته است. از جمله مهمترین و مؤثرترین شیوه‌های مذکور، که به آن توجه ویژه‌ای شده، شیوه داستان‌سرایی است. خداوند متعال، در قالب شیواترین کلام، سرگذشت اقوام پیشین را در قرآن بیان کرده و به این وسیله به اسوه‌پردازی پرداخته تا خوانندگان و شنوندگان این قصص با تدبیر در آنها، عبرت گیرند، آنچه را موجب سعادتشان می‌شود به کار گیرند و از آنچه سبب نابودیشان می‌شود دوری جویند.

در میان داستان‌های قرآن، داستان انبیاء پیشین به خصوص داستان پیامبران اولوالعزم و نحوه سلوک آنان با مشرکان جلوهای خاص دارد و همین امر سبب شده که مفسران و علماء علوم قرآنی به آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند ولی در عین حال، آنگونه که شایسته است به آنها پرداخته نشده و حتی در بعضی مواقع از حد یک داستان پراکنده در تفاسیر فراتر نرفته و به ابعاد گوناگون آنها توجه نشده است. حال آنکه شناخت زوایای آموزنده زندگی و حیات عبرت‌انگیز انبیاء و اولیای الهی از مهمترین وظایف

دانش‌پژوهان است. تبیین شخصیت رسولان الهی به‌عنوان منادیان راه حق و داعیان به حق و مربیان و معلمان نمونه که تمام تلاششان تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده و شیوه مواجهه آنان با مخاطبانشان می‌تواند راهگشای کسانی که در عصر کنونی در وادی تعلیم و تربیت قدم گذاشته‌اند، قرار گیرد.

#### تعریف مساله و بیان سئوال‌های تحقیق:

در میان قصص انبیاء در قرآن کریم به برخی از آنان توجه ویژه‌ای شده و نسبت به دیگران با تفصیل بیشتری بیان شده‌اند. از جمله از حضرت ابراهیم علیه السلام ۶۹ بار در ۲۵ سوره قرآن سخن به میان آمده است که بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت موسی علیه السلام بیشترین مورد استعمال را دارا است. اما با گذشت ۱۴ قرن از نزول قرآن کریم داستان ایشان در قرآن از حد یک داستان حتی در مجامع علمی فراتر نرفته است و از سوی دیگر از ایشان در مجامع مختلف با عنوان (ابراهیم بت شکن) یاد می‌شود و صفت مذکور بیش از حد بزرگ‌نمایی شده است به گونه‌ای که این سئوال پیش می‌آید که ایشان در مسیر هدایت و تربیت مخاطبانش کدام یک از اصول و روش‌های دیگر تربیتی را مورد استفاده قرار داده‌اند؟

با توجه به آنچه بیان شد و اینکه در نظام تعلیم و تربیت شناخت الگوها و بررسی و معرفی اصول و روش‌های هدایت آنان و همچنین نقد و آسیب‌شناسی روش‌های آن بزرگواران در زمان کنونی با توجه به یافته‌های علمی نظیر یافته‌های روان‌شناسان تربیتی و متخصصان تعلیم و تربیت از اهمیت فراوانی برخوردار است، بر آن شدم با نگاهی نو (با رویکرد تربیتی) به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن پردازم باشد که مورد توجه (مربیان و متریبان) عزیز واقع گردد.

سئوال‌های این تحقیق عبارتند از :

۱. کدامیک از ویژگی‌های شخصیتی حضرت ابراهیم علیه السلام در شیوه‌های دعوت و ابلاغ رسالت ایشان بیشترین نمود را دارد؟
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام در امر دعوت، چه اصول تربیتی را مورد استفاده

قرار داده‌اند؟

۳. روش‌های تربیتی که حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت استفاده نموده‌اند چه بوده است؟

۴. اهداف تربیتی سرگذشت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم چیست؟

#### فرضیه‌های تحقیق:

۱. از میان صفات و ویژگی‌های متعددی که قرآن کریم از حضرت ابراهیم علیه السلام بیان فرموده‌اند (حدود ۲۰ صفت) صفات حلم، صدق و احسان بارزترین نمود را در شیوه‌های دعوت و ابلاغ رسالت ایشان داشته‌اند.  
۲. اصل رعایت تفاوت‌های فردی، اصل تدریج در تربیت، اصل ترغیب و اصل تهدید از جمله اصول تربیتی است که حضرت ابراهیم علیه السلام در امر هدایت استفاده نموده‌اند.

۳. حضرت ابراهیم علیه السلام در امر هدایت از روش‌های مستقیم مثل پرسش و پاسخ و جدل و غیر مستقیم مثل دعا و ایفای نقش استفاده نموده‌اند.

۴. مهمترین اهداف تربیتی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن، الگوسازی، بیان سنن الهی و ایجاد امت واحد اسلامی است.

#### روش انجام تحقیق:

در ابتدای کار تمام آیاتی که از نظر موضوعی با داستان حضرت ابراهیم علیه السلام ارتباط داشت استخراج شد سپس با مراجعه به منابع، پیرامون موضوع مورد نظر کاوش به عمل آمد سعی نگارنده در این پژوهش استفاده از منابع معتبر قدیمی بوده است. شایان ذکر است که دشواری اصلی تحقیق حاضر، کمبود منابع مستقیم بوده است زیرا منابعی که علاوه بر بیان حوادث زندگانی به تبیین صفات اخلاقی ایشان و بررسی روش‌های تربیتی حضرت ابراهیم علیه السلام پرداخته باشد کمتر وجود دارد.

#### خلاصه تحقیق:

تحقیق حاضر مشتمل بر پنج فصل است. در فصل اول که تحت عنوان (کلیات) آمده است جایگاه حضرت ابراهیم علیه السلام، در دوره جاهلیت، در میان

اهل کتاب و در میان سایر انبیاء الهی در قرآن کریم بررسی شده است و در پایان بحث مختصری پیرامون سوره ابراهیم علیه السلام و جایگاه ایشان در این سوره بیان شده است. در فصل دوم صفات حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن استخراج شده و بیرون از متن و در سیاق آیات تبیین شده است. در فصلهای سوم و چهارم ضمن بیان مهمترین اصول و شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه متخصصان مسلمان، اصول و روش‌هایی که حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت و هدایت مشرکان نمود بارز دارند در قالب روش‌های مستقیم و غیر مستقیم بیان شده است و بالاخره در فصل آخر به بیان اهداف داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم پرداخته شده است.

#### چند نکته:

۱. ترجمه آیات قرآن کریم در تحقیق حاضر براساس ترجمه آیه الله مکارم شیرازی است.
  ۲. علامت اختصاری (ر.ک.) رجوع کنید. (ش)، شمسی. (ص)، صفحه. (ق)، قمری. (بی تا). بدون تاریخ نشر. (بی جا)، بدون ذکر محل نشر. (بی نا)، بدون ذکر نام ناشر.
- در پایان این مقدمه، متذکر می‌شود نگارنده این تحقیق، ادعای انجام کامل و بدون ایراد و اشکال این تحقیق را ندارد بلکه تلاشی است در حد و اندازه دانش جوئی که در ابتدای کار پژوهش قرار دارد و اگر لطف و عنایت اساتید محترم دکتر مصلائی پور و دکتر باهنر نبود هرگز به فرجامی نمی‌رسید.



## مقدمه

اسلوب قرآن کریم در بیان قصص انبیای الهی بیان تمام جزئیات داستان نیست، بلکه از آن داستان‌های طولانی بخش‌ها و فرازهایی زیبا که حاوی پند و عبرت است جهت هدایت انسان‌ها انتخاب شده است. در میان داستان‌های قرآن کریم، داستان پیامبران پیشین بویژه انبیاء اولوالعزم علیهم‌السلام جلوه‌ای خاص دارد. شناخت اسوه‌ها در هدایت و تربیت انسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قرآن کریم، حضرت ابراهیم خلیل الرحمن، ابوالانبیاء و دومین پیامبر اولوالعزم را اسوه و الگوی مسلمانان معرفی کرده است. نام آن حضرت ۶۹ بار در قرآن کریم آمده است. پژوهش حاضر با عنوان تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه‌السلام در قرآن کریم با رویکرد تربیتی و با هدف معرفی آن حضرت و شناخت اصول تربیتی و روش‌های تربیتی حضرت به همت فاضل ارجمند جناب آقای سیدمحمد دلبری در پنج فصل به رشته تحریر در آمده است. بر اساس این پژوهش، مهمترین اصول تربیتی حضرت، اصل تشویق، اصل تنبیه، اصل تدریج در تربیت، اصل رعایت تفاوت‌های فردی است. روش پرسش و پرسخ، جدل، ایفای نقش و مشاهده از مهمترین روش‌های تربیتی حضرت است. امید آن که این پژوهش بتواند در مسیر تربیت دینی و حل مشکلات نظام تعلیم و تربیت مؤثر واقع شود.

دکتر عباس مصلائی پور





## کلیات

### مقدمه

قرآن کریم به هنگام معرفی الگوهای تربیتی صراحتاً از دو شخصیت بزرگوار به عنوان اسوه نام می‌برد. حضرت رسول اکرم ﷺ و حضرت ابراهیم ؑ. این پرسش مطرح می‌شود که چرا این دو پیامبر از مجموع پیامبران برگزیده شده‌اند؟ چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی سبب محوریت این بزرگواران در جریان دعوت قرآن کریم شده است؟ البته پاسخ به این سوالات با توجه به جایگاه و شأن رسول الله ﷺ در دریافت، ابلاغ و اجرای دین اسلام و اجرای آموزه‌های آن روشن است. ولی پرسش‌های مذکور در رابطه با حضرت ابراهیم ؑ هم چنان پابرجاست.

علاوه بر این هرگاه سخن از دین است، عنوان ادیان ابراهیمی جلوه می‌نماید... چه رابطه‌ی مشخصی میان مسیحیت و یهودیت با ابراهیم ؑ است که سبب شده است آن دو به ابراهیمی بودن متصف شوند؟ حضرت ابراهیم ؑ از چه جایگاهی در این ادیان برخوردار است که نام ایشان همراه یهودیان و مسیحیان در قرآن مکرر آمده است؟ چه نسبتی میان ابراهیم ؑ در اسلام و سایر ادیان ابراهیمی برقرار است؟

سوال دیگری که در این زمینه مطرح است، نسبت دعوت حضرت رسول اکرم ﷺ با سایر انبیاء است. حضرت ابراهیم ؑ در میان انبیاء الهی

از چه جایگاهی برخوردار است؟ پاسخ به این سوالات با تبیین جایگاه ایشان در سرزمین وحی، ارتباط ساکنان آن با وی، روشن کردن محورهای مشترک اسلام، مسیحیت و یهودیت در موضوع حضرت ابراهیم علیه السلام و فهم و دریافت شأن ایشان در میان سایر پیامبران الهی میسر است. پاسخ به این سوالات به این ابهام پاسخ خواهد داد که چرا از میان پیامبران - به جز رسول الله صلی الله علیه و آله - تنها از حضرت ابراهیم علیه السلام با عنوان اسوه یاد شده است.

### ۱-۱. جایگاه داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در دوره جاهلیت

#### ۱-۱-۱. نسبت ابراهیم علیه السلام با عرب (ها)

ابن ندیم بغدادی دانشمند مشهور سده چهارم هجری، علت نامیدن ساکنان سرزمین عربستان به عرب را از نوشته ابن ابی سعد اینگونه بیان می‌کند که چون ابراهیم علیه السلام به فرزندان اسماعیل که با دائیهای خود از جرهم بودند نگریست از اسماعیل پرسید اینان چه کسانی هستند؟ اسماعیل جواب داد: فرزندان من و دائیهای آنان از جرهم. ابراهیم علیه السلام به زبانی که بدان سخن می‌گفت، سریانی قدیم، گفت: اعراب له یعنی آنان را با هم بیامیز!

قرن‌ها پیش از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ساکنان عربستان از نظر نژاد به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند: عرب عاربه یا عرب خالص (قحطانیان) و عرب مستعربه یا عرب ناخالص (عدنانیان) ساکنان عربستان جنوبی براساس نسب نامه‌ای که برای خود درست کرده بودند نژاد خود را به یعرب پسر قحطان می‌رساندند و قحطان را فرزند پنجم نوح می‌شناساندند و قبایل مرکز و شمال شبه جزیره خود را از نژاد عدنان می‌دانستند<sup>۱</sup>. بعضی مفسران در تفسیر آیه ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ...﴾<sup>۲</sup> به همین نکته توجه کرده‌اند و اطلاق کلمه «اب» به حضرت ابراهیم علیه السلام را به خاطر وجود عربها و مسلمانان آن روز که غالباً از نسل ابراهیم علیه السلام بوده‌اند دانسته‌اند<sup>۳</sup> هر چند که گروه دیگری اطلاق «پدر» به ابراهیم علیه السلام را به «پدر

روحانی و معنوی" نیز تفسیر کرده و جامعه مسلمانان را فرزندان او خوانده‌اند.<sup>۵</sup>

از امور مشهور در دوران قبل از بعثت پیامبر ﷺ آن بود که عدنان از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام است که حضرت ابراهیم ﷺ او را در وادی مکه سکونت داد و ایشان با زنی از قبیله جرهم که از قبایل عرب بود ازدواج کرد. اسکان اسماعیل توسط ابراهیم در وادی مکه در قرآن نیز آمده است:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾<sup>۶</sup>

«پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را بپا دارند...» آنچه در بخش ۱۶ سفر پیدایش (ماجرای دور کردن هاجر و فرزندش از ساره) آمده است در میان عرب جاهلیت شهرت داشته است با این تفاوت که در داستان کتاب پیدایش اشاره‌ای به کعبه و ساخت آن توسط اسماعیل علیه السلام و پدر بزرگوارش و مناسک حج و... نشده است.<sup>۷</sup>

#### ۱-۱-۲. دین حنیف

واژه "حنیف" از ریشه حنف و حنافت به معنی "میل کردن به چیزی" و "کج شدن پای مرد" است لذا به کسی که در پایش کژی باشد "احنف" می‌گویند<sup>۸</sup> ولی در اصطلاح "حنیف"، یعنی "روگرداننده از بت پرستی و میل کننده به سوی یگانه پرستی" و به آئین و روش چنین کسانی نیز حنیف گفته می‌شود.<sup>۹</sup> این کلمه ده بار و جمع آن "حنفاء" دو بار در قرآن به کار رفته است حنیف به خصوص در مورد حضرت ابراهیم ﷺ به کار رفته که حنیف و مسلم بود نه یهودی و نه نصرانی.<sup>۱۰</sup>

در میان عربها پیش از اسلام - در عهد جاهلیت - پاره‌ای از آداب و اعتقادات متکامل و پسندیده‌ای رایج بوده است که خردمندان عرب آن عهد،

آن آداب را "دین ابراهیم و اسماعیل" و دین حنیف می‌نامیدند در نزدیکی ظهور اسلام، در اثر نفوذ ادیان و عقاید مترقی از ملل دیگر مانند افکار یهودیان، مسیحیان و زردشتیان به عقاید بت پرستان عرب، تحول و تکاملی در عقاید برخی از روشن اندیشان عرب پدیدار گشته بود و گروهی از آنان - که کم نبوده‌اند - خود را پیرو آیین حنیف می‌خوانده‌اند و خود را حنفاء می‌نامیده‌اند و از آیین بت پرستی بیزاری می‌جستند و به یگانگی خدا ایمان داشته و از خرافات و منکرات دوری می‌کردند و چیزهایی را تقدیس و عبادت می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

پیروان دین حنیف - که نتیجه انقلابات مذهبی جنوب عربستان بوده و بعداً در سراسر عربستان انتشار یافت - انجام دادن بعضی آداب و مراسم را واجب دانسته و آنها را از بقایای دین ابراهیم می‌دانستند، واجباتی که آنها به آن معتقد بودند به «کلمات ده گانه ابراهیم» و یا «طهاره فطره» معروف بوده و آدابی مربوط به نظافت و پاکیزگی می‌باشند. پنج دستور مربوط به پاکیزگی نواحی سر است:

۱- مضمضه کردن

۲- استنشاق

۳- مسواک کردن دندانها با چوب گیاهی مخصوص

۴- تراشیدن موی سر

۵- گرفتن موی شارب

و پنج دستور دیگر مربوط به سایر اندام‌های بدن است:

۱- استنجاء (شستن عورتین)

۲- گرفتن ناخنها

۳- گرفتن موی بدن

۴- گرفتن موی عورتین

۵- ختنه کردن

حنفاء برخی اعمال را نیز حرام می‌دانسته‌اند و ارتکاب آنها را خلاف

عقل و دین ابراهیم می‌شمردند از جمله شراب خواری که معتقد بودند روح انسان را سبک و عقل را کم می‌کند، بعضی از این آداب و عقاید در دین اسلام با اصلاحاتی به‌عنوان سنت ابراهیم و دین پاک حنیف پذیرفته شده، جزء واجبات، مستحبات و محرمات شده است.<sup>۱۱</sup>

از جمله افرادی که شهرت به حنیف بودن دارند عبارتند از: قیس بن ساعده‌ی ایادی، زید بن عمرو بن نفیل (این گفته از اوست که: ما اصبح منکم احد علی دین ابراهیم غیری)، امیه بن ابی الصلت ... پیامبر اکرم ﷺ نیز پیش از بعثت از بت پرستی دور و از حنفاء بوده است ولی روش ایشان در مواجهه با جامعه و افکار حاکم متفاوت از سایر حنفاء بوده است.<sup>۱۲</sup>

### ۱-۱-۳. صحف ابراهیم ﷺ

اولین آیاتی که درباره حضرت موسی ﷺ و حضرت ابراهیم ﷺ بر رسول اکرم ﷺ نازل شده است آیاتی است که در سوره اعلی قرار دارد<sup>۱۴</sup>: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ. وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ. بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. وَالْآخِرَةَ خَيْرًا وَ أَتَقَىٰ. إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ. صَحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ﴾<sup>۱۵</sup>

خداوند متعال در این آیات توجه مخاطبان قرآن را به این نکته جلب می‌کند که آنچه رسول اکرم ﷺ برای دعوت به آن تلاش می‌کند چیز تازه‌ای نیست بلکه حلقه‌ای از سلسله دعوت‌های انبیاء است و آنچه که آنها در کتاب‌هایشان داشته‌اند مخصوصاً در کتب حضرت موسی ﷺ و حضرت ابراهیم ﷺ آمده است. اشاره‌ای که در سوره اعلی به صحف آن دو پیامبر بزرگ شده است در سوره نجم به صورت مفصل‌تری بیان شده است ﴿أَمْ لَمْ يُبْنَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ. وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ. أَلَا تَزُرُ وَازِرَةً وَ زُرَّ أُخْرَىٰ. وَ أَنْ لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَىٰ. وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَىٰ. ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ. وَ أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ﴾<sup>۱۶</sup>

ظاهراً صحف ابراهیم و موسی برای مخاطبان آشنا بوده است که خداوند متعال به‌عنوان مثال به آنها اشاره می‌کند و جز آن را بیان نمی‌فرماید،

اختصاص ذکر صحف ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام در این سوره بیانگر آن است که برای این دو رسول الهی در اذهان مخاطبان قرآن جایگاه و مکانیت خاصی وجود داشته است.

در عصر بعثت، یهودیان زیادی که دارای تأثیر فراوانی نیز بوده‌اند زندگی می‌کرده‌اند، در نتیجه تورات و شریعت موسی و قصه او و مبارزاتش با فرعون و معجزاتش مشهور بوده است. هم چنین ابراهیم علیه السلام و ملت حنیف او و ارتباطش با کعبه و مناسک حج و نسبت پدری ابراهیم علیه السلام با عدنانیان که سکان حجاز را در دست داشتند جایگاه عظیمی را برای ایشان فراهم کرده بود.

سیره ابراهیم علیه السلام و اولاد و فرزندان او در عهد قدیم آمده است این در حالی است که بسیاری از روایاتی که اصحاب و تابعان و علماء اخبار صدر اسلام نقل کرده‌اند، در آن وجود ندارد و در صورت وجود با هم تناقض دارند به نظر می‌رسد آنچه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از صحف ابراهیم علیه السلام وجود داشته است اسفار و قراطیسی بوده که در سفر تکوین نیامده است و این اسفار و قراطیس در بین مردم متداول و رایج بوده است از جمله این داستان‌ها احتجاج‌هایی که حضرت با پدرشان داشته‌اند و گفتگو‌هایی که بین آنها بوده است می‌باشد هم چنین استدلال‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در رد بت‌پرستی و شکستن بتها و انداختن ابراهیم در آتش جزء آنها بوده است. به نظر می‌رسد که این قصص در همان اسفاری بوده که در نزد یهود وجود داشته است.<sup>۱۷</sup>

#### ۱-۱-۴. حج ابراهیمی

مناسک حج از ارکان دین و آئین عهد جاهلی شمرده می‌شود عرب‌های عصر جاهلیت زیارت و مناسک حج را با تشریفات با شکوهی انجام می‌داده‌اند، اساس مناسک حج و عمره اسلامی همان مناسک و اعمالی است که با حذف موارد کفرآمیز و افزودن خصوصیات اسلامی به آن به‌عنوان میراث ابراهیم علیه السلام در دین اسلام پذیرفته شده است و همان مناسک و اعمالی



است که قرن‌های زیادی مشرکان و بت‌پرستان هر سال انجام می‌داده‌اند. چنانکه قبلاً بیان شد عرب‌های جاهلی معتقد بودند که خانه کعبه را ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا کرده‌اند و به همین جهت برای آن احترام و تعظیم فراوانی قائل بودند و رفته رفته مراسم و آدابی درباب تعظیم آن بوجود آمد تا آنجا که بیشتر آداب و عبادات دینی آن دوره را مراسم مزبور تشکیل می‌داده است. سرانجام مقدسات و بت‌های خود را نیز در آن خانه قرار دادند و بتدریج دین ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را فراموش کردند و آن را به چیز دیگری (شرک و بت پرستی) تبدیل کردند.<sup>۱۸</sup> در حدیثی که بخاری و بیهقی از ابن عباس نقل می‌کنند آمده است:

﴿لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ ﷺ مَكَّةَ أَبِي أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ وَ فِيهِ الْأَلِهَةُ فَأَمَرَ بِهَا فَأُخْرِجَتْ فَأُخْرِجَ صُورَةُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ فِي أُيْدِيهِمَا الْأُزْلَامُ فَقَالَ ﷺ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَمَا وَ اللَّهُ لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّهُمَا لَمْ يَسْتَقْسِمَا بِهَا قَطُّ﴾<sup>۱۹</sup> رسول خدا ﷺ از داخل شدن به خانه کعبه در حالیکه در آن بت‌هایی وجود داشت خودداری کرد و دستور داد که آنها را از خانه خدا خارج کنند و اینکار را کردند و مجسمه ابراهیم ﷺ و اسماعیل ﷺ در حالیکه تیرهایی در دستشان داشتند خارج کردند. رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوند آنها را بکشد به خدا قسم که آنها می‌دانستند که آن دو هرگز قسمت نمی‌کردند پس داخل خانه شد و در اطراف آن تکبیر گفت.

هنگامی که رسول خدا ﷺ بر مکه دست یافت نخستین عملی که به جای آورد آن بود که به زیارت خانه خدا شتافت و کمتر علامتی از رفق و مدارا نسبت به مظاهر شرک و مشرکان از خود نشان نداد و بعد از ادای احترام نسبت به حجرالاسود و طواف خانه کعبه دستور داد تمام اصنام و اوثانی را که در درون خانه کعبه بود بشکنند و نقش و نگاری که از ابراهیم ﷺ و ملائکه بر دیوار آن رسم کرده بودند محو کرد و حدود حرم را تعیین نمود.<sup>۲۱</sup>

عرب‌های پیش از اسلام، در مناطق دور و نزدیک مناسک حج و عمره

را به جا می‌آوردند و همه ساله در موسم زیارت حج، شهرنشینان و بدویان از اطراف عربستان به مکه می‌آمدند و مناسک حج را انجام می‌دادند اهم مناسک حج در دوره جاهلیت از این قرار بوده است: بت پرستان در موسم حج هفت بار کعبه را طواف و سپس حجرالاسود را که بر دیوار کعبه منصوب بوده استلام و مسح می‌کردند هفت بار میان صفا و مروه سعی می‌کردند و در هنگام زیارت تلبیه می‌گفتند جالب آنکه در جریان تلبیه برای خدا شریک قرار می‌دادند و چنین می‌گفتند: "لبیک اللهم لبیک، لا شریک لک، الا شریک لک هو لک تملکه و ما ملک" <sup>۲۳</sup> آنان معتقد به قداست، حرمت و امنیت مکه بودند امنیتی که نتیجه دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در حق آن مکان می‌باشد. و نه تنها برای حجرالاسود عبادت و تعظیم می‌کردند بلکه هر سنگ شبیه آن در هر جا می‌یافتند عبادت و تعظیم می‌کردند و آن را انصاب می‌نامیدند در قرآن از این عمل نهی شده است <sup>۲۳</sup>.

۲-۱. مقایسه اجمالی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در عهدین و قرآن کریم  
حضرت ابراهیم علیه السلام دومین پیامبر اولوالعزم، نیای بزرگ عرب از طریق حضرت اسماعیل علیه السلام و بنی اسرائیل از طریق فرزند دیگرش حضرت اسحاق علیه السلام است. دعوت ایشان در کتاب مقدس بویژه در کتاب پیدایش عهد عتیق و قرآن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در عهد جدید نیز از ابراهیم علیه السلام در ۷۲ موضع یاد شده است. آنچه در پی می‌آید مقایسه اجمالی میان آن کتب مقدس پیرامون داستان ایشان است.

#### ۱-۲-۱. خاندان و خانواده حضرت ابراهیم علیه السلام

##### الف. نسب حضرت ابراهیم علیه السلام

ابراهیم علیه السلام از خاندان نوح علیه السلام و از پیروان ایشان در منش خداپرستی و مبارزه با شرک می‌باشد ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ﴾ <sup>۲۴</sup>. نسب ایشان در عهد قدیم این گونه بیان شده است: ابراهیم <sup>۲۵</sup> پسر ترح پسر ناحور

پسر سروج پسر رعو پسر عابر پسر شالح پسر ارفکشد پسر نوح<sup>۲۶</sup>، در عهد جدید نسب عیسی علیه السلام از طریق اسحاق با ۳۹ واسطه<sup>۲۷</sup> یا ۵۴ واسطه<sup>۲۸</sup> به ابراهیم متصل شده است. در قرآن کریم از نسب ایشان سخنی به میان نیامده است.

### ب. پدر حضرت ابراهیم علیه السلام

در حالیکه در عهد قدیم نام پدر حضرت ابراهیم علیه السلام طرح ذکر شده است و محل سکونت وی و فرزندانش و حتی زمان و مکان وفاتش بیان شده و هرگز به وضعیت ایمانی او پرداخته است<sup>۲۹</sup> قرآن نه تنها از طرح نامی نبرده است بلکه از آزر که عمدتاً در تفاسیر از ایشان تعبیر به عموی حضرت ابراهیم علیه السلام می‌نمایند، سخن می‌گوید و از نظر اعتقادی وی را بت پرست و متعصب معرفی می‌نماید و از محاوره ابراهیم علیه السلام با وی سخن می‌گوید: ﴿وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرًا أَنْ تَتَّخِذَ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أُرْسِكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۳۰</sup> و در جایی دیگر، وعده استغفار ابراهیم علیه السلام را نسبت به پدرش بیان می‌کند باشد که او هدایت شود ولی چون دانست که او دست بردار نیست از او و بت‌هایشان بیزاری جست<sup>۳۱</sup>.

مفسران و مورخان در معنی و مفهوم کلمه "آزر" اختلاف دارند گروهی آن را نام پدر حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانند<sup>۳۲</sup>، برخی آزر را به معنای یار و انباز دانسته‌اند، بدین ترتیب آیه اشاره می‌کند به اینکه پدر ابراهیم علیه السلام در پرستش بتها یار و و انباز قوم بوده است. برخی "آزر" را بدل از "اصنام" گرفته‌اند و آن را نام بتی دانسته‌اند که پدر ابراهیم علیه السلام آن را می‌پرستیده است و برخی آنرا "سب و دشنام" دانسته‌اند<sup>۳۳</sup>. برخی دیگر طرح را نام پدر ابراهیم علیه السلام و آزر را نام عمویش دانسته‌اند و برای اثبات ادعای خود بیان می‌دارند که عرب عنوان "اب" را بر عمو نیز اطلاق می‌نماید چنانکه در قرآن اسماعیل پدر یعقوب علیه السلام نامیده شده است<sup>۳۴</sup>. دلیل قول اخیر آن است که در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه نیاکان خود را موحد معرفی کرده است (کم

﴿يَزَلْ يَنْفُلْنِي اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَىٰ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّىٰ أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا﴾<sup>۳۵</sup>. مفسران قرآن از آیه‌ی ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾<sup>۳۶</sup> استفاده کرده‌اند که پدر حضرت ابراهیم علیه السلام موحد بوده‌اند و گرنه برای ایشان طلب استغفار نمی‌نمود زیرا خداوند از آن نهی کرده است ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾<sup>۳۷</sup>.

از سوی دیگر این دعاها چنانکه قبلاً بیان شد در سن پیری ابراهیم علیه السلام بوده است (بعد از تولد اسماعیل و اسحاق) و در آن زمان عداوت و دشمنی آزر بر وی روشن شده بود فلذا قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَلَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾<sup>۳۸</sup>.

از دیگر شواهدی که مدعای ما را که آزر پدر صلبی ابراهیم علیه السلام نیست تأکید می‌کند این است که در این آیه از پدر و مادر تعبیر به "والدی" می‌کند که جز بر پدر اطلاق نمی‌شود و در آیه ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ ءَأَزْرٌ...﴾<sup>۳۹</sup>، "اب" به کار رفته که به غیر پدر نیز اطلاق می‌شود.<sup>۴۰</sup>

### ج. همسران حضرت ابراهیم علیه السلام

براساس آنچه در عهد قدیم آمده است، ابراهیم علیه السلام دارای همسرانی بوده است که از میان آنان دو نفر شهرت بیشتری دارند. همسر اول ایشان سارای بود که نازا بود و فرزندی نداشت<sup>۴۱</sup>

عهد قدیم درباره سارای بیان می‌کند: «اما در خصوص سارای، زن تو، از این پس دیگر او را سارای منخوان، نام او سارا خواهد بود من او را برکت خواهم داد و از وی به تو پسری خواهم بخشید و از او قوم‌ها به وجود خواهم آورد. از میان فرزندان تو پادشاهان برخوانند خواست. داستان بشارت در عهد قدیم این‌گونه بیان شده که سه فرشته در بلوطستان ممری در

حالی که میهمان ابراهیم علیه السلام شده بودند به او می‌گویند که سال بعد در همین زمان ساره صاحب پسری می‌شود ساره که در این حال در پشت در خیمه بود در دل خود خندید و گفت آیا زنی چون من با چنین شوهر پیری می‌تواند بچه‌دار شود؟ خداوند به ابراهیم علیه السلام گفت: چرا ساره خندید و گفت: آیا زنی به سن و سال من می‌تواند بچه‌دار شود؟ مگر کاری هست که بر خداوند مشکل باشد؟ اما ساره ترسیده بود انکار کرد و گفت: من نخندیدم گفت: چرا خندیدی»<sup>۴۲</sup>.

داستان سفر ابراهیم و ساره به مصر و تصاحب ساره توسط فرعون مصر به خاطر زیباییش و بلای سختی که فرعون و افراد قصر گریبانگیر آن شدند<sup>۴۳</sup> و تکرار همین داستان در شهر جرار تنها در عهد عتیق آمده و اثری از آن در قرآن نیست.

درباره همسر دوم ابراهیم علیه السلام اینچنین آمده که ساره همیشه در سفرها همراه ابراهیم بود اما بچه‌دار نمی‌شد لذا کنیز مصری خود را به ابراهیم داد و گفت خداوند به من فرزند نداده است پس تو با این کنیز هم بستر شو تا برای من فرزندی به دنیا آورد ابراهیم موافقت کرد، هاجر آبستن شد و سارا را تحقیر می‌کرد پس ساره نیز با او بد رفتاری کرد و هاجر از خانه فرار کرد در بیابان فرشته خدا به او می‌گوید که نزد بانوی خود باز گردد و مطیع او باشد و به او می‌گوید که اسم پسر خود را اسماعیل بنهد که پسری وحشی و ناسازگار با همه و همه نیز بر ضد او خواهند بود<sup>۴۴</sup>. البته ابراهیم بعداً همسری دیگر انتخاب کرده است به نام قطوره که برای او چند فرزند به دنیا آورد<sup>۴۵</sup>.

در قرآن کریم از همسران ابراهیم علیه السلام به‌عنوان یک شخصیت مستقل سخن به میان نیامده بلکه به تبع بحث فرزندان، بدون بیان اسم و شرح زندگانی از مادر صحبت می‌شود. سخن از مادر اسحاق، فقط هنگام بشارت و بدون نام مطرح می‌شود و هرگز از مادر اسماعیل سخن نمی‌گوید. در سوره هود و بعد از بشارت دادن به اسحاق آمده است که: زن ابراهیم ایستاده

### ۳۰ □ تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم

بود که از فرط شوق متبسم گردید<sup>۴۶</sup> پس ما آن زن را بفرزندی بنام اسحاق و سپس یعقوب بشارت دادیم. زن چون مژده فرزند شنید گفت که آیا شود از من با آنکه پیری سالخورده ام و شوهرم نیز مردی پیر و فرتوت است فرزندى پدید آید این چیز بسیار شگفت‌انگیز است فرشتگان باو گفتند آیا از کار خدا عجب داری (عجب مدار که) رحمت و برکت مخصوص شما اهل بیت رسالت است زیرا خدا بسیار ستوده و بزرگواریست<sup>۴۷</sup>

#### د. فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام

براساس آنچه در تورات آمده، ابراهیم علیه السلام در سن پیری صاحب دو پسر به ترتیب اسماعیل و بعد از سیزده سال اسحاق و سپس پسران دیگری از قطوره شد. ابراهیم علیه السلام به درخواست ساره و بخاطر آزار و اذیتی که اسماعیل نسبت به اسحاق روا می‌داشت هاجر و اسماعیل را روانه بیابان کرد و بعد از پایان یافتن آب خطر مرگ آنها را تهدید می‌کرد که فرشته خداوند به هاجر ظاهر شده و چشمه‌آبی در مقابل چشمان هاجر گشوده شد و اسماعیل در همان بیابان که احتمالاً بیابان فاران بوده بزرگ شده و تیراندازی ماهر گشت و مادرش دختری از مصر برای او گرفت<sup>۴۸</sup>.

ابراهیم او را در سن سیزده سالگی و به همراه سایر غلامان ختنه نمود<sup>۴۹</sup>. و درباره اسحاق می‌گوید بشارت به تولد اسحاق در سن ۹۹ سالگی ابراهیم علیه السلام و ۹۰ سالگی ساره بوده است و از طریق اوست که خداوند به ابراهیم علیه السلام وعده داد که پدر قوم‌های بسیار گردد و از آنها ملت‌ها و پادشاهان بسیاری به وجود آورد و تا ابد نسل او بماند و سرزمین کنعان را به ایشان دهد<sup>۵۰</sup>.

ابراهیم علیه السلام به فرمان خدا فرزندش اسحاق را برای قربانی کردن به زمین موریا برد و هنگامی که برای این کار آماده شد، فرشته خداوند او را ندا داد و به او گفت چون خداوند را اطاعت کردی و حتی یگانه پسر را از من دریغ نداشتی تو را برکت فراوان می‌دهم<sup>۵۱</sup>.

در قرآن کریم از این قربانی یاد شده و از ذبیح نامی برده نشده است با توجه به دلایل زیر می‌توان اسماعیل را ذبیح دانست:

اولاً: عهد عتیق از ذبیح به‌عنوان "پسر یگانه" یاد می‌کند و اسحاق یگانه پسر ابراهیم علیه السلام نبوده است، انجیل برنابا یهود را به همین اشتباه ملامت کرده است: خداوند با ابراهیم سخن گفت و فرمود اسماعیل اولین فرزندت را بگیر و از این کوه بالا برده او را به‌عنوان پیشکش ذبح کن؛ و اگر ذبیح ابراهیم، اسحاق بود انجیل او را یگانه و اولین فرزند ابراهیم نمی‌خواند.<sup>۵۳</sup>

ثانیاً: اگر در آیات بشارت در سوره صافات دقت شود چاره‌ای جز این نیست که بگوئیم ذبیح همان کسی است که خداوند ابراهیم را در جمله "فبشّرناه بغلام حلیم" به ولادت او بشارت داده است و جمله ﴿وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ بشارت دیگری است غیر آن بشارت و مسئله قربانی در ذیل بشارت اولی ذکر شده است:

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ. رَبَّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ. فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ. وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ. قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَّاكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ وَالْمُبِينُ. وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ. وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ. سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ. كَذَّاكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ. وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ. وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَوَعَدْنَا إِيَّاهُ وَوَعَدْنَا إِبْرَاهِيمَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ﴾<sup>۵۴</sup>

ثالثاً: در حدیث معتبری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که (انا ابن الذیحین) و آن دو را پدرش "عبدالله" و اسماعیل علیه السلام معرفی کرده است.<sup>۵۴</sup>

### ه. وفات حضرت ابراهیم علیه السلام

ابراهیم در سن ۱۷۵ سالگی درگذشت (طبری سن وفات ایشان را ۱۷۵ یا ۲۰۰ سالگی می‌داند)<sup>۵۵</sup> و در همان مزرعه‌ای که ساره در آن دفن بود به خاک سپرده شد.<sup>۵۶</sup>

### ۱-۲-۲. رسالت حضرت ابراهیم علیه السلام

#### الف. نبوت و امامت حضرت ابراهیم علیه السلام

در هر دو کتاب مقدس خداوند ابراهیم علیه السلام را دعوت کرده است در عهد قدیم آمده «ولایت خانه پدری خویشاوندان خود را رها کن و به سرزمینی که من تو را به آنجا هدایت خواهم نمود برو من تو را پدر امت بزرگی می‌گردانم تو را برکت می‌دهم و نامت را بزرگ می‌سازم و تو مایه برکت خواهی بود آنانی که به تو خوبی کنند برکت می‌دهم و آنانی را که به تو بدی کنند لعنت می‌کنم همه مردم دنیا از تو برکت خواهند یافت.»<sup>۵۷</sup> در سن هفتاد و پنج سالگی به همراه لوط علیه السلام و همسرش و غلامانش و به دستور خداوند به کنعان کوچ کرد و خداوند به او فرمود که من این سرزمین را به نسل تو خواهم بخشید<sup>۵۸</sup> در ۹۹ سالگی به اطاعت از پروردگار و به جای آوردن آنچه راست است دستور می‌یابد و نام او از ابرام به ابراهیم تغییر پیدا کرد و خلیل خداوند معرفی شد.<sup>۵۹</sup>

علت انتخاب ابراهیم علیه السلام در عهد قدیم ذکر نشده است هر چند موحد بودن و اطاعت از خدا برای ابراهیم ثابت می‌شود.

قرآن کریم ویژگی‌های فراوانی را برای ایشان ذکر می‌کند. اطاعت از خدا، شاکر بودن، بردباری و موحد بودن از ویژگی‌هایی است که سبب انتخاب ایشان شده است.<sup>۶۰</sup> در سوره مریم در خصوص نبوت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «در این کتاب ابراهیم را یاد کن که بسیار راستگوست.»<sup>۶۱</sup> و در سیر تکامل ایشان و در آخرین مرحله از ارتقاء وی از نبوت به امامت سخن می‌گوید.<sup>۶۲</sup>



### ب. دعوت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم علاوه بر دعوت به توحید و پرستش خداوند مبارزه با انواع مختلف شرک را سرلوحه کار خود قرار داده است حال آنکه در عهد قدیم سیر دعوت ابراهیم علیه السلام مشاهده نمی‌شود و اصلاً قوم یا فردی که ایشان او را به پرستش خدا و توحید دعوت نماید یا از پرستش بت‌ها نهی کند وجود ندارد، براساس آیات قرآن کریم، ایشان دعوت‌های زیادی در راه گسترش توحید و مبارزه با کفر و شرک انجام داده است در اولین گام، دعوت پدر (= عموی) بت پرست و مشرک به توحید<sup>۶۳</sup> و سپس دعوت قوم<sup>۶۴</sup> سپس مبارزه عملی با بت‌ها و بت پرستان و شکستن بت‌ها جهت فهماندن عدم صلاحیت بت‌ها برای الوهیت و ربوبیت<sup>۶۵</sup>، اجتناج با پادشاه زمان و همراهی با غیر خداپرستان (کسانی که اجرام آسمانی را می‌پرستیدند)<sup>۶۶</sup> از جمله دعوت‌های ایشان است، دعوت اخیر گر چه در عهد عتیق از آن نشانی نیست ولی در میان یهود معروف بوده و یوسفوس بدان اشاره می‌کند<sup>۶۷</sup>. و در کتب یهودی دوره‌های بعدی نیز دیده می‌شود (نک، جودائیکا، ۱۷)<sup>۶۸</sup>

### ۱-۲-۳. داستان زنده شدن مردگان

داستان زنده شدن مردگان در هر دو کتاب مقدس آمده است و هدف از این در خواست پیدا کردن اطمینان قلبی است با این تفاوت که در عهد قدیم اطمینان از اعطاء سرزمین موعود به نسل ابراهیم علیه السلام می‌باشد «خداوند به ابراهیم فرمود: من همان خداوندی هستم که تو را از شهر کلدانیان بیرون آوردم تا این سرزمین را به تو دهم» ابراهیم در پاسخ گفت: «خداوندا چگونه مطمئن شوم که تو این سرزمین را به من خواهی داد.»<sup>۶۹</sup> اما در قرآن کریم سخن از کیفیت احیاء مردگان است «به یاد آر هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد چرا، ولی می‌خواهم مطمئن شوم.»<sup>۷۰</sup> نوع حیوانات در

قرآن کریم، ذکر نشده است ولی در عهد قدیم ذکر شده است. (گوساله، بز، قوچ، کبوتر و قمری)<sup>۷۱</sup>

#### ۱-۲-۴. حضرت لوط علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت لوط علیه السلام از پیامبران معاصر و مرتبط با حضرت ابراهیم علیه السلام است، وابستگی و پیوستگی میان داستان آن دو سبب شده در موارد بسیاری داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام با هم ذکر شوند. در عهد قدیم لوط پسر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی شده که در کوچ به مقصد کنعان همراه ابراهیم علیه السلام و ساره و تارح است<sup>۷۲</sup> و تا جنوب کنعان با او رفت و به علت وجود نداشتن چراگاههای کافی، در شهر سدوم ساکن شد. در هنگام شکست پادشاهان عموره و سدوم اموالش به غارت برده شد و خودش اسیر شد و ابراهیم ضمن شکست آنها لوط را آزاد ساخت<sup>۷۳</sup>. ابراهیم علیه السلام برای عدم خرابی شهر سدوم به جهت وجود لوط در آنجا از خداوند شفاعت سدوم را می‌نماید. در قرآن کریم رابطه لوط علیه السلام با ابراهیم علیه السلام رابطه ایمانی است (فَأَمِّنَ لَهُ لُوطًا).<sup>۷۴</sup>

و همراه ابراهیم علیه السلام آن هنگام که قومش تصمیم بر هلاکت او گرفته بودند نجات یافت ﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي ...﴾<sup>۷۵</sup> و حضرت ابراهیم علیه السلام به خاطر وجود لوط در میان قومش شفاعت قوم را نمود<sup>۷۶</sup>. در داستان لوط در قرآن از شکست پادشاهان عموره و سدوم و اسارت لوط و نجات او و علت جدا شدن لوط از ابراهیم سخنی به میان نیامده است.

#### ۱-۳. مقایسه اجمالی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام با دیگر انبیاء در قرآن کریم

قرآن کریم کتاب هدایت بشر از تاریکی‌ها و جهالت‌ها و گمراهی‌ها به سوی نور و حقیقت است و برای نیل به همین مقصود از روش‌های گوناگون بهره گرفته تا بیشترین تأثیر را در مخاطب داشته باشد از جمله مهمترین این شیوه‌ها استفاده از قصص می‌باشد.

قصه حضرت ابراهیم علیه السلام در کنار بیش از ۲۶۰ قصه دیگر در قرآن کریم در حالی بازگو می‌شود که به ایشان با ۶۹ بار در قرآن بعد از حضرت موسی علیه السلام بیشترین توجه، شده است و در میان پیامبران الهی و همچون رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه حسنه معرفی گردیده است<sup>۷۷</sup> و در میان عرب‌ها در زمان بعثت دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است علاوه بر آن در میان ادیان بزرگ الهی (یهود، مسیح و اسلام) نقش محوری دارد، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن با وجود ویژگی‌های مشترکی که با داستان‌های سایر انبیاء الهی از جمله پراکنده بودن، تکرار شدن و تاریخی نبودن و ... دارد در عین حال دارای ممیزه‌های خاصی است که با تأمل در آیات مربوط به انسان مشخص می‌گردد.

### ۱-۳-۱. نقش محوری حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (به خصوص در مواجهه با اهل کتاب)

با تأمل و تدبر در آیات قرآن کریم این حقیقت روشن می‌شود که ایشان نقش بسیار عظیم و مرکزی را در جریان دعوت و مواجهه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مخاطبانش به خصوص در مواجهه با اهل کتاب اعم از یهودیان و مسیحیان داشته است این نقش تا آنجا پیش می‌رود که خداوند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مکلف به تبعیت از ملت و آئین او می‌نماید و از آن به عنوان یکی از مصادیق "کلمة واحد" میان پیروان موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله تعبیر می‌شود و ضمن تأکید بر حقانیت اسلام، یهودیان و مسیحیان را به کتمان حقیقت متهم می‌سازد:

﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَمَا نَزَلَتْ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَآجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا